

ارایه الگوی آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله زده شهر بم

فاطمه یزدی‌زاده باغینی^۱، رضا فاضل^{۲*}، علی‌رضا صنعت‌خواه^۳

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گرایش جامعه‌شناسی گروه‌های اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

۲- استادیار و عضو گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

۳- استادیار و عضو گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمان، ایران.

چکیده

هدف این پژوهش ارایه الگوی آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله زده شهر بم است بکه به روش آمیخته یا ترکیبی انجام شده است. در بخش کیفی آن که با استراتژی گراندد تئوری انجام شده جامعه آماری پژوهش شامل زنان زلزله زده شهر بم هستند که تعداد ۱۲ نفر از آنان به صورت هدفمند به عنوان جامعه آماری انتخاب شده‌اند. تحلیل مصاحبه‌ها با توجه به روش کدگذاری انجام شده و بر اساس تحلیل داده‌ها از متن مصاحبه‌ها ۲۲۴ مفهوم و گزاره معنادار استخراج شد. مفاهیم متناظر به دلیل همپوشانی و تکراری بودن تعداد زیادی از آنها به ۴۵ خرده مقوله تبدیل شدند و از آن خرده مقولات محوری نیز ۱۷ مقوله محوری بیرون کشیده شد که با انتزاع بیشتر این مقولات در مرحله کدگذاری گزینشی، یک مقوله هسته‌ای به شرح «آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله‌زده در فضای بحران‌زده و نابسامان زندگی فاجعه‌وار و در بستر تجربه خشونت، سوگواری و داغدیدگی، با راهبردهای سازگاری با بحران، رفتارهای خودشکنانه و انزوا، و تلاش‌های ناکام‌گونه به پیامدهای آزار جنسی، سوگ باقیمانده، تجربه خشونت و حتی تنزل منزلت مادری منجر شده است» ظاهر شد که می‌تواند تمامی مقولات دیگر را تحت پوشش قرار بدهد. در بخش کمی نیز نتایج حاصل از مدلسازی نشان داده که الگوی استخراجی با ضرایب بالایی تایید شده است.

واژه‌های کلیدی: مدل کیفی آسیب‌های اجتماعی، زنان زلزله‌زده، گراندد تئوری.

مقدمه و بیان مساله

دلایل فراوانی وجود دارد که بتوان زبانی را که سرپرستی خانوار را به عهده دارند جزو اقشار آسیب‌پذیر در نظر گرفت. از جمله این دلایل می‌توان به فجایع طبیعی، فقر و وضعیت اقتصادی نامناسب و مشکلات اجتماعی و فرهنگی این زنان و خانواده‌های آنان اشاره کرد که زنان را در مواجهه با زندگی واقعی مورد تهدید قرار می‌دهد زیرا فشارهای

ناشی از مشکلات فاجعه، فقر و تنگدستی و نیاز شدید و ناتوانی در تأمین نیازهای اولیه و پذیرش سلطه دیگران، زمینه‌های وقوع جرم و بزهکاری را در آنها فراهم می‌کند. از طرفی دیگر زندگی بشر همواره با دو گونه مسئله عام پیش‌بینی پذیر طبیعی و انسانی مواجه است. در پیدایش بلایای طبیعی برخلاف مسائل انسانی، دست بشر چندان در کار نیست و این حوادث هر از گاهی رخ می‌دهند و فاجعه‌های دل‌خراشی می‌آفرینند. از نظر غافل‌گیری و عدم پیش‌بینی پذیری، زلزله جایگاه نخست را در میان تمامی بلایای طبیعی به خود اختصاص داده است (پیران، ۱۳۸۲). زلزله از غم‌انگیزترین و مخوف‌ترین بلایای طبیعی به شمار می‌آید که هر ساله جان عده زیادی از افراد را در سراسر جهان می‌گیرد. در سال ۲۰۰۲ از ۱۷۰ میلیون نفری که بر اثر سوانح آسیب دیدند حدود ۱۹ میلیون نفر بر اثر زمین‌لرزه از بین رفتند (گزارش موسسه ژئوفیزیک، ۱۳۹۳). نکته دارای اهمیت در این بین، میزان تلفات ناشی از بلایا در کشورهای توسعه نیافته است که حدود چهل و سه برابر کشورهای پیشرفته است. کشور ایران به دلیل قرار گرفتن روی کمربند زلزله یکی از زلزله‌خیزترین مناطق دنیا است. در سالهای ۱۹۸۲ تا ۲۰۱۰ میلادی، کشور ایران بیشترین تعداد زلزله را داشته به طوری که ۱۷/۶ درصد زلزله‌های مخرب دنیا در ایران رخ داده است. در واقع به طور متوسط هر چهار سال یک بار در ایران زلزله شدیدی به وقوع می‌پیوندد که پیامد آن تخریب ۹۷ درصد واحدهای روستایی و آسیب کلی ۷۹ درصد واحدهای شهری در منطق وقوع زلزله می‌باشد (سلطانی نژاد، ۱۳۹۴). این خود نشان دهنده این است جمعیت ایران در منازلی زندگی می‌کنند که در برابر زلزله آسیب پذیر هستند. مناطقی چون تربت حیدریه، شیروان، لاریجان، رودبار گیلان، طبس، سیرج کرمان، بم، اهر و ورزقان مهم‌ترین آن‌ها بودند که در این وقایع بیش از ۱۷۰ هزار نفر جان خود را از دست دادند (ابراهیم‌پور، ۱۳۸۸). اگر چه زلزله یک حادثه طبیعی است، اما به سبب تلفات و مرگ و میری که در پی دارد به یک موضوع جامعه شناختی تبدیل می‌شود. حوادث طبیعی به سبب ابعاد گسترده و پیامدهایی که بر ساخت زندگی بشری می‌گذارند از اهمیت خاصی برخوردارند. از جمله پیامدهای این حوادث بالاخص زلزله، آسیب پذیری گروه‌های اجتماعی می‌باشد. آسیب‌پذیری اجتماعی میزان خسارتهای اجتماعی است که در صورت بروز سانحه به اجزا و عناصر یک جامعه بر حسب چگونگی کیفیت آن وارد می‌شود. بر این اساس مصائب جمعی از منظر جامعه شناختی نه تنها رویدادهای جوی و زمین شناختی بلکه «وقایع اجتماعی جوهری یا اثری‌اند. منظور از این مفهوم که راسل، اکراً آن را به کار برده است اشاره به وقایع اجتماعی تام تمام و کامل است؛ زیرا پس از حادثه پدیده اجتماعی بدون نقاب ظاهر می‌شود و آسیبهای اجتماعی همچون انزوای اجتماعی، سازگاری اجتماعی، بیگانگی اجتماعی، آنومی اجتماعی، بحران هویت و انحرافات اجتماعی در بین گروه‌های اجتماعی ظاهر می‌شود (سلطانی نژاد، ۱۳۹۵).

نقش جنس در آسیب‌پذیری گروه‌های اجتماعی در حوادث سبب شده است که زنان هم در ردیف گروه‌های آسیب‌پذیر در حوادث قرار گیرند. زنان بیش از مردان هم در حین بحران و هم در بعد از بحران در معرض آسیب‌های مختلف قرار می‌گیرند. در این بحران طبیعی، آمار تلفات در بین زنان بیشتر از مردان است. برای مثال در زلزله بم، قبل از زلزله جمعیت زنان (۴۸٪) کمتر از مردان (۵۲٪) بوده، ولی میزان مرگ‌ومیر زنان (۵۷/۶) بیشتر از مردان (۴۲/۴) بوده است. به عبارتی به ازای هفتاد و چهار نفر مرد صد نفر زن در زلزله فوت شده‌اند (سلطانی نژاد، ۱۳۹۴). همچنین در پی بررسی سه ماهه سازمان کمک‌رسانی آکسفام که در هند، اندونزی و سریلانکا تهیه شده، مشخص شد، تعداد زنانی که در

فاجعه سونامی در آسیا کشته شدند سه برابر بیش از مردان بودند و خیزش امواج اقیانوس در روز بیست و شش دسامبر ۲۰۰۴، به ازای هر یک مرد، جان چهار زن را گرفت (پاتون^۱، ۲۰۱۴). کارشناسان این موسسه معتقدند؛ زنان به این دلیل، متحمل بیشترین آسیب شدند که در زمان وقوع سونامی در خانه‌های خود از بچه‌ها مراقبت می‌کردند. گروه بین‌المللی آکسفام تحقیقات خود را بر استان اندونزیایی آچه^۲، ناحیه کودالور در هند و داده‌های جمع‌آوری شده از اردوگاه‌های سراسر سریلانکا متمرکز کرد. در چهار روستای ناحیه «آچه بسار» تنها ۱۸۹ نفر از ۶۷۶ بازمانده سونامی زن بودند و تعداد بازماندگان مرد سه برابر بازماندگان زن بود. در چهار روستای ناحیه «آچه شمالی» هشتاد و دو مرد جان باختند در حالی که شمار کشته‌شدگان زن ۲۸۴ نفر بود. در شهر کوالاکانگوی در آچه شمالی تعداد کشته‌شدگان زن به رقم تکان‌دهنده ۸۰ درصد رسید. هند نیز دچار سرنوشت مشابهی شد و در ناحیه کودالور^۳ تعداد زنانی که جان باختند سه برابر مردان بودند (گلاسر^۴، ۲۰۰۹). مطالب مطرح شده بیانگر آسیب پذیری زنان بعد از زلزله است حال باتوجه به این امر، مسئله اصلی این تحقیق این است که آسیب پذیری برآمده از زلزله بر حسب جنس در بین گروه‌های اجتماعی چگونه می‌باشد؟ زنان با چه آسیب‌ها اجتماعی بعد از زلزله مواجه می‌شوند؟

اهداف پژوهش

- بررسی تجربه زیسته زنان شهر بم از آسیب‌های اجتماعی ناشی از زلزله و ارایه الگو

اهداف فرعی

- شناسایی مولفه‌های الگوی آسیب‌های اجتماعی ناشی از زلزله زنان شهر بم
- شناسایی شرایط علی و مداخله‌ای الگوی آسیب‌های اجتماعی ناشی از زلزله زنان شهر بم
- شناسایی بسترهای شکل‌گیری الگوی آسیب‌های اجتماعی ناشی از زلزله زنان شهر بم
- شناسایی مولفه‌های الگوی آسیب‌های اجتماعی ناشی از زلزله زنان شهر بم
- شناسایی استراتژی‌های الگوی آسیب‌های اجتماعی ناشی از زلزله زنان شهر بم
- شناسایی پیامدهای الگوی آسیب‌های اجتماعی ناشی از زلزله زنان شهر بم
- اعتبار یابی الگوی آسیب‌های اجتماعی ناشی از زلزله زنان شهر بم

مفاهیم پژوهش

- آسیب‌های اجتماعی

آسیب اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می‌شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی رسمی و غیر رسمی جامعه محل فعالیت کنشگران قرار نمی‌گیرد و در نتیجه با منع قانونی یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبرو می‌گردد. به همین دلیل، کجروان سعی دارند کجروی‌های خود را از دید ناظران قانون، اخلاق عمومی و

1 Paton

2 Atjeh

3 Kvdalvr

4 Gelser

نظم اجتماعی پنهان نمایند؛ زیرا در غیر این صورت با پیگرد قانونی، تکفیر اخلاقی و طرد اجتماعی مواجه می‌شوند. یک رفتار انحرافی با توجه به هنجارهای موجود در فرهنگ تعریف می‌شود. رفتار و عملی که ممکن است در یک موقعیت یا فرهنگ خاص قابل قبول باشد، ممکن است در جاهای دیگر ناروا و غیر قابل قبول باشد. از جمله انحرافات در فرهنگ ما قتل عمد، تجاوز به عنف، دزدی، ناراحتی روانی جنون آمیز، بزهکاری جوانان، اعتیاد، فحشا و امثال آن است (کوئن، ۱۳۹۲: ۱۲۰).

- زلزله بم

زمین‌لرزه بم، زمین‌لرزه‌ای بود با بزرگی ۶٫۶ ریشتر که در ساعت ۵:۲۶ بامداد روز جمعه ۵ دی ۱۳۸۲ به مدت ۱۲ ثانیه شهر بم و مناطق اطراف آن در شرق استان کرمان را لرزاند. زمین‌لرزه بم بیشترین تلفات انسانی (حدود ۵۰ هزار نفر) را در میان تمام زمین‌لرزه‌های تاریخ ایران بر جای گذاشت. قبل از این حادثه شهر بم ۹۰،۰۰۰ جمعیت داشت که در جریان زمین‌لرزه فقط یک سوم از آنان زنده ماندند ولی طبق آمار رسمی این زمین‌لرزه ۲۶،۲۷۱ کشته، ۳۰ هزار مجروح و بیش از ده هزار نفر بی‌خانمان به جای گذاشت. این درحالی است که تعداد واقعی قربانیان به مراتب بیش از میزان اعلام شده بود. یازدهم دی ماه همان سال، دکتر اسماعیلی، رئیس شورای شهر بم گفته بود با توجه به اینکه در برخی مناطق بم ۱۰۰ درصد منازل بر اثر زلزله تخریب شده‌اند، تعداد تلفات بیش از ۵۰ هزار نفر است. به گفته وی در روزهای اول هر کس به فکر تدفین عزیزان خود بود و بوسیله لودر گودال‌هایی ایجاد می‌شد و اجساد به‌طور دسته جمعی به خاک سپرده می‌شدند و کسی در آمارگیری دخالت نداشته‌است. در حالی که شش روز از این زلزله می‌گذشت، رئیس شورای شهر بم در پاسخ به این سؤال که چند درصد از شهر خاکبرداری شده‌است، گفته بود هر کسی آشنایی داشته، محل دفن آشنای خود را نشان داده‌است، ولی آنهایی که کسی را نداشته‌اند و از شهرهای دیگر برای مشخص شدن وضعیت آنان به بم نیامده‌اند، هنوز زیر آوارها هستند (ویکی‌پدیا، ۱۳۹۸).

روش تحقیق

بر اساس پارادایم و معرفت علمی تحقیق، روش تلفیقی یا آمیخته برای مطالعه بر روی موضوع مورد بررسی انتخاب شد. روش‌های تحقیق ترکیبی، درصدد ادغام و ترکیب داده‌های کمی و کیفی در جهت فهم بهتر از مسأله تحقیق هستند و چگونگی ترکیب داده‌های کمی و کیفی در تحقیقات ترکیبی، بر اساس استراتژی‌های مرتبط با رهیافت این تحقیقات انجام می‌شود و در این پژوهش از رهیافت اکتشافی متوالی استفاده شده است. در این حالت، تحقیق با روش کیفی و با هدف اکتشاف شروع و سپس با روش کمی و یک نمونه وسیع، برای تعمیم یافته‌ها به جامعه آماری ادامه یابد. جامعه آماری پژوهش شامل ۱۲ نفر از زنان زلزله زده شهر بم که تجربه مستقیمی از آسیب‌های ناشی از زلزله بم داشته‌اند، هستند که در بخش کمی تعداد بیشتری از آنان (۳۸۲) با استفاده از فرمول حجم نمونه به عنوان نمونه آماری انتخاب شده‌اند. حجم نمونه کیفی با ۱۲ نفر به شباع نظری رسید و متن مصاحبه‌های پژوهش با روش کدگذاری تحلیل شده‌اند و در بخش کمی نیز مدل کیفی استخراج شده به کمک مدلسازی معادله ساختاری آزمون شده است.

یافته‌های کیفی پژوهش

بدون شک نظریات گسترده‌ای در راستای آسیب‌های اجتماعی وجود دارند که به کارگیری آنها در گذشته و حال توانسته است در زمینه وضعیت بحران‌های ناشی از زلزله در ایران گشایشی ایجاد کنند، بنابراین محقق در این زمینه درصدد برآمد تا با الگویی بومی برخوردار از آرا و عقاید زنان آسیب‌دیده در زلزله بم که تجربه مستقیمی از این پدیده دارند، بتواند رویکردی نوینی به تبیین الگوی آسیب‌های اجتماعی زنان در ایران ایجاد کند که نسبت به سایر الگوهای موجود کارایی بالاتر و کاربردی‌تری داشته باشد. بر همین اساس کار با انجام ۱۲ مصاحبه عمیق شروع شد و بر اساس روش اشتراوس و کرین در سه مرحله کدگذاری تحلیل شد و از متن مصاحبه‌ها ۲۲۴ مفهوم و گزاره معنادار استخراج شد. در ادامه فرایند کدگذاری از تعداد ۲۲۴ گزاره معنادار تعداد ۲۱۸ مفاهیم متناظر بیرون کشیده شد. مفاهیم متناظر به دلیل همپوشانی و تکراری بودن تعداد زیادی از آنها به ۴۵ خرده مقوله تبدیل شدند. همچنین بخاطر نزدیکی و همپوشانی معنایی بسیاری از خرده مقولات محوری در مرحله کدگذاری محوری ۴۵ خرده مقوله موجود به ۱۷ مقوله محوری تبدیل شده‌اند. مقولات محوری محصول انتزاع فکری از خرده مقولاتی که در فرایند کدگذاری از مفاهیم معنادار و متناظر بیرون کشیده شده‌اند. هرچند مشارکت کنندگان پژوهش اشاره تلویحی به برخی از خرده مقولات داشته‌اند، اما حدود ۹۰ درصد خرده مقولات و ۹۵ درصد مقولات محوری ساخته و انتزاع شده ذهن محقق است که با توجه به حساسیت نظری موجود اقدام به مقوله سازی شده است. در نهایت پس از بررسی دقیق‌تر و پیوند بین مفاهیم خرده مقولات، ۱۷ مقوله محوری به دست آمد که این مقولات عبارت از: فضای بحران‌زده زندگی، تجربه فاجعه، نابسامانی‌های محیطی، تجربه خشونت، سوگواری و داغدیدگی، حاکمیت فرهنگ مردسالاری، نگاه سنتی به بلایا، از بین رفتن حریم خصوصی، سازگاری با بحران، رفتارهای خودشکنانه، انفعال و کناره‌گیری اجتماعی، تلاش‌های جعلی برای بهبود، آزار جنسی، سوگ باقیمانده، تجربه خشونت، زنانگی آسیب‌ها، تنزل منزلت مادری هستند که با انتزاع بیشتر این مقولات در مرحله کدگذاری گزینشی، یک مقوله هسته‌ای به شرح «آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله‌زده در فضای بحران‌زده و نابسامان زندگی فاجعه‌وار و در بستر تجربه خشونت، سوگواری و داغدیدگی، با راهبردهای سازگاری با بحران، رفتارهای خودشکنانه و انزوا، و تلاش‌های ناکام‌گونه به

تصویر کشیده می‌شود.

جدول ۱- خروجی مراحل کدگذاری محوری و گزینشی

مقوله هسته نهایی	مقولات محوری	خرده مقولات
سوگواری و داغدیدگی، با راهبردهای سازگاری با بحران، رفتارهای خودشکنانه و انزوا، و تلاش‌های ناکام‌گونه به	فضای بحران‌زده زندگی	بی‌نظمی اجتماعی
		نابسامانی‌های محیطی
		در هم ریختگی
	سوگواری و داغدیدگی	سوگواری و داغداداری
		سوگ بیمارگونه مزمن

		رفتارهای خود شکنانه ناشی از سوگ
زنانگی آسیب‌ها		زنانه شدن آسیب‌ها
		زنانه شدن فقر و بیکاری
		زنانه شدن اعتیاد
تنزل منزلت مادری		فرو دست نگه داشتن زنان
		تحقیر نقش مادری
رفتارهای خود شکنانه		خودزنی و عدم توجه به خود
		آرزوی مرگ و خودکشی
		ناامیدی و افسردگی
انفصال و کناره گیری اجتماعی		بی تفاوتی
		مکانیزم انکار در ذهن
		انزواگرینی
تجربه فاجعه		شوک و ضربه حادثه
		وضعیت ترسناک فاجعه
		وحشت زدگی
نگاه سنتی به بلایا		ارتباط حوادث طبیعی با گناه
		احساس گناه
خشونت علیه خانواده		رهاشدگی زنان و کودکان
		خشونت عریان
تلاش‌های جعلی برای بهبود		تن فروشی و تجربه روسپی شدن
		تکدی گری و مشاغل کاذب
		کسب درآمد از جسم
آزار جنسی		تجاوز و خشونت جنسی
		خطر روسپی شدن
سوگ باقیمانده		سوگواری دائمی
		حجم بالای از دست دادن
		از دست دادن عزیزان
سازگاری با بحران		تقدیرگرایی و پذیرش مصیبت
		تسکین‌های اعتیاد آور
تجربه خشونت		خشونت علیه زنان
		قربانی تجاوز جنسی
		تنش‌های تجربه شده
از بین رفتن حریم خصوصی		سیل ورود بیگانگان
		دگرگونی فضای بومی
		تغییر فضای کالبدی

	حاکمیت فرهنگ مردسالاری	پدرسالاری
		بی‌قدرتی زنان در جامعه محلی
	نابسامانی‌های محیطی	شکل‌گیری خرده‌فرهنگ زنانه
		وقوع بحران محیطی
		حاشیه‌ای شدن زندگی

در کدگذاری محوری داده‌های کدگذاری باز را دوباره با ایجاد روابط بین هر مقوله و مقولات فرعی آن، به نوعی جدید به یکدیگر مرتبط می‌سازد. در کدگذاری محوری تکیه روی مشخص کردن یک مقوله (پدیده) با در نظر گرفتن شرایطی که به ایجاد آن می‌انجامد، قرار دارد و آن شرایط عبارت است از زمینه‌ای که مقوله در آن واقع شده است. همچنین در این مرحله مایه گرفتن مفاهیم از داده‌ها، مشخصه اصلی راهبرد نظریه زمینه‌ای است و به کمک تحلیل مقوله‌ها می‌توان فرایند نظریه‌سازی را تشریح کرد. در مورد نامگذاری مناسب مقوله‌ها، پرسیدن سؤالات برانگیزنده، مقایسه و استنتاج طرحی نو، یکپارچه و واقع بینانه از انبوه داده‌های خام و سازمان نیافته، نیاز به خلاقیت ویژه‌ای دارد و با توجه به خلاقیت باید حساسیت نظری راهگشای ادامه کار باشد. حساسیت نظری از خلال تجربه حرفه‌ای، مطالعه متون، تجربه شخصی، و روند تحلیل داده‌ها در خلال پژوهش بر حساسیت نظری محقق می‌افزاید. حساسیت نظری از آن جهت مهم است که اساساً پژوهش کیفی و نظریه‌مبنایی در پی معنادادن به داده‌ها هستند. در ادامه هر یک از ابعاد مدل با توجه به خلاقیت و حساسیت نظری مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفته‌اند.

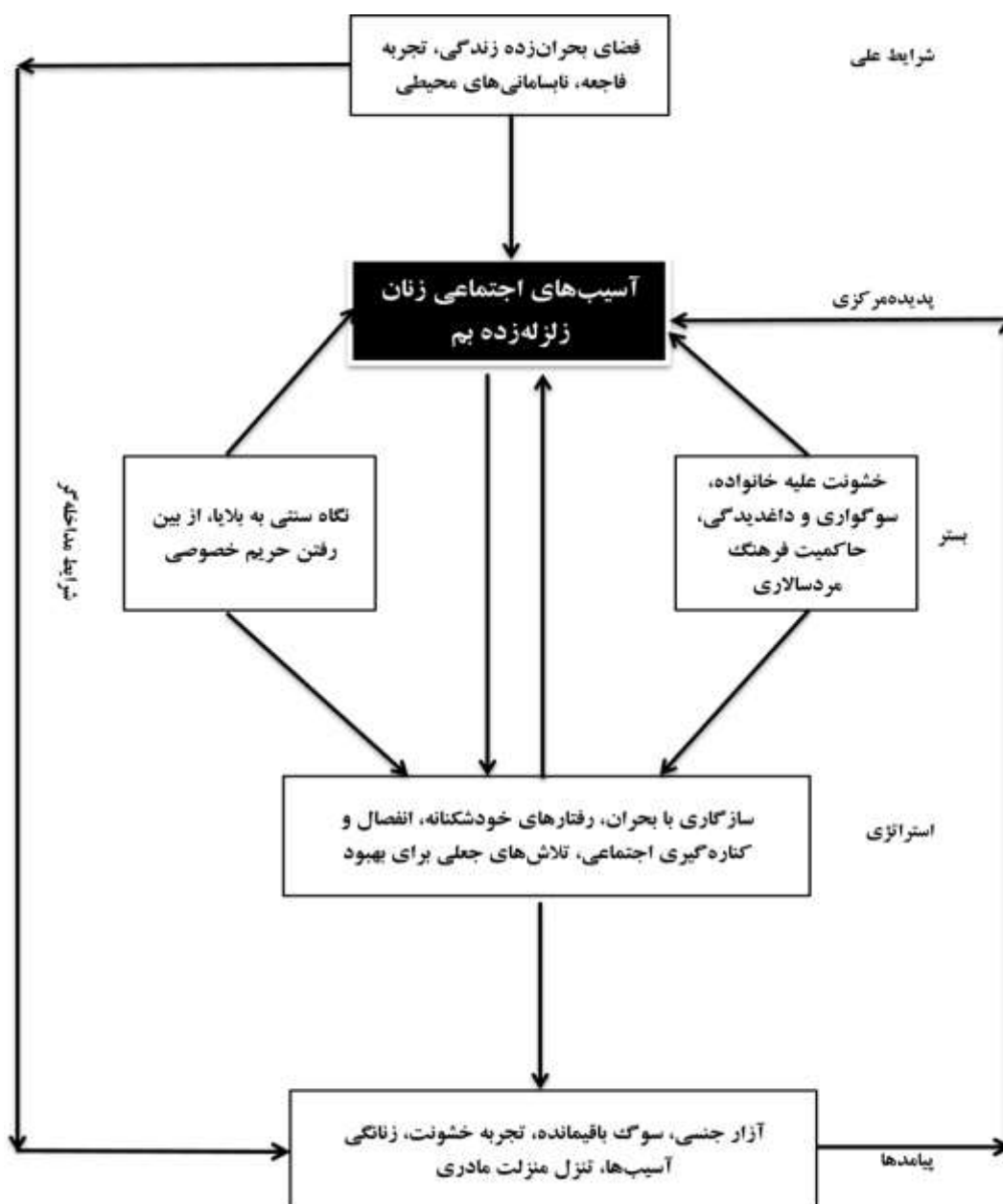
تحلیل مقوله هسته (مرکزی)

آخرین مرحله کدگذاری مرحله کدگذاری گزینشی است که در آن کدهای به دست آمده در مرحله کدگذاری محوری را در سطحی انتزاعی‌تر ادامه می‌دهد. هدف از این کار، یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌های کسب شده در مرحله کدگذاری محوری است. در این مرحله است که شکل‌گیری و پیوند هر مقوله با سایر مقوله‌ها شرح داده می‌شود و مقوله هسته نهایی به دست آمده که کل مفاهیم و مقوله‌ها را در بر می‌گیرد. با ترکیب ۱۷ مقوله اصلی پژوهش (فضای بحران زده زندگی، تجربه فاجعه، نابسامانی‌های محیطی، تجربه خشونت، سوگواری و داغدیدگی، حاکمیت فرهنگ مردسالاری، نگاه سنتی به بلایا، از بین رفتن حریم خصوصی، سازگاری با بحران، رفتارهای خودشکنانه، انفصال و کناره‌گیری اجتماعی، تلاش‌های جعلی برای بهبود، آزار جنسی، سوگ باقیمانده، تجربه خشونت، زنانگی آسیب‌ها، تنزل منزلت مادری)، مقوله هسته نهایی در مرحله کدگذاری گزینشی ظهور کرد. با توجه به مقولات عمده و توضیحات فوق می‌توان گفت که مقوله؛ آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله‌زده در فضای بحران زده و نابسامان زندگی فاجعه‌وار و در بستر تجربه خشونت، سوگواری و داغدیدگی، با راهبردهای سازگاری با بحران، رفتارهای خودشکنانه و انزوا، و تلاش‌های ناکام‌گونه به پیامدهای آزار جنسی، سوگ باقیمانده، تجربه خشونت و حتی تنزل منزلت مادری منجر شده است، می‌تواند همه مباحث زنان زلزله زده شهر بم را از آسیب‌های اجتماعی تحت پوشش قرار دهد و نیز جنبه تحلیلی داشته باشد. بر اساس مقوله هسته نهایی که خود برگرفته و انتزاع شده از سایر مقولات عمده ارایه شده است، زنان زلزله زده در بم در تجربه زیست خود شرایط علی، بستر و پیامدهای آسیب‌های ناشی از زلزله را تجربه، درک و یا تصور

می‌کنند. آنها در شرایط و بستر تعاملی خاصی بحران‌ها و آسیب‌های ناشی از زلزله را تبیین کرده‌اند که اگر این شرایط در هر جا مهیا شود، انتظار خیزش بحران‌ها و آسیب‌های ناشی از زلزله یا بحران‌های طبیعی بالا می‌رود.

ترسیم مدل پارادایمی

در مجموع یافته‌های کیفی پژوهش حاضر نشان دادند که بر ساخت اجتماعی و تجربه شخصی زنان آسیب‌دیده در زلزله بم از آسیب‌های اجتماعی در شرایطی مختلفی اتفاق می‌افتد. آنها رویکردهای متفاوتی را در راستای بحران‌ها و آسیب‌های ناشی از زلزله در بم بیان کرده‌اند، اما همگی بر اساس ترکیب آرای آنها به اتفاق نظر واحدی با نام یک تئوری بومی رسیده‌اند. در کل همه آنها در این مساله که دلایل بحران‌ها و آسیب‌های اجتماعی ناشی از زلزله وجود دارد، اتفاق نظر دارند، اما هر کدام از رویکردی متفاوت به این مقوله نگاه کرده‌اند و پاسخ‌های متفاوتی به سوال اصلی پژوهش داده‌اند. در یک رویکرد کلی می‌توان همه یافته‌ها را می‌توان در یک مدل پارادایمی برای فهم بهتر ترسیم کرد. همانگونه که در شکل شماره ۴-۲- مشاهده می‌شود، این مدل دارای بخش‌های؛ شرایط علی، پدیده، بستر، شرایط مداخله‌گر، استراتژی و پیامد است. پدیده مرکزی این مدل، آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله زده شهر بم هستند که محور سوالات مصاحبه کیفی و اطلاعات نظری و مفهومی زنان زلزله زده بم بوده است. همچنین در این مدل شرایط علی شامل سه مولفه؛ فضای بحران‌زده زندگی، تجربه فاجعه، نابسامانی‌های محیطی است. شرایط علی در مدل پارادایمی پژوهش دارای اثرگذاری چندگانه‌ای است که می‌تواند علت مستقیم و غیرمستقیم الگوی آسیب‌های اجتماعی زنان باشد. برای مثال شرایط علی با اثرگذاری مستقیم خود بر الگوی آسیب‌های اجتماعی زنان می‌تواند عامل این آسیب‌ها باشد و از طرفی دیگر همچنین شرایط علی می‌تواند اثر مستقیمی بر بسترهای (خشونت علیه خانواده، سوگواری و داغ‌دیدگی، حاکمیت فرهنگ مردسالاری) اثرگذار الگوی آسیب‌های اجتماعی زنان داشته باشد. علاوه بر آن شرایط علی هم بر استراتژی‌ها و هم بر پیامدها اثر غیرمستقیمی دارد. همچنین در تحلیل مدل پارادایمی باید گفت شرایط مداخله‌گری نیز وجود دارند که می‌تواند بر الگوی آسیب‌های اجتماعی زنان اثر مستقیمی داشته باشند. این شرط مداخله‌گر شامل؛ نگاه سنتی به بلایا و از بین رفتن حریم خصوصی است که می‌تواند شتاب‌دهنده آسیب‌های اجتماعی زنان باشند. این شرایط مداخله‌گر اثری دوسویه در مدل پارادایمی دارد و همزمان هم بر پدیده مرکزی و هم بر استراتژی‌های موجود در مدل اثر دارد. علاوه بر شرط مداخله‌گر بسترهای شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی نیز اثر دوسویه در مدل دارد. ابتدا به طور مستقیمی بر الگوی آسیب‌های اجتماعی زنان اثر دارد و به دنبال آن بر استراتژی‌ها نیز اثرگذار است. خود استراتژی‌ها نیز با چهار مقوله محوری؛ سازگاری با بحران، رفتارهای خودشکانه، انفصال و کناره‌گیری اجتماعی و تلاش‌های جعلی برای بهبود هم بر پدیده مرکزی و هم بر پیامدهای مدل که شامل چهار مقوله؛ آزار جنسی، سوگ باقیمانده، تجربه خشونت، زنانگی آسیب‌ها، و تنزل منزلت مادری است، اثرگذارند. در نهایت پیامدها خود می‌توانند باز تولید کننده بحران‌ها و آسیب‌های اجتماعی در بم باشند. شکل مدل پارادایمی پژوهش در ادامه آمده است.



شکل ۱- مدل پارادایمی پژوهش

یافته های کمی پژوهش

برای سنجش و آزمون مدل کیفی پژوهش و تاثیر متغیرهای مستقل بر وابسته آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله‌زده از مدلسازی معادله ساختاری به کمک نرم افزار Amos Graphics استفاده شده است. بر همین اساس به منظور تعیین شدت و جهت تأثیر این متغیرها بر میزان آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله‌زده از یک مدل معادله ساختاری بهره گرفته شده است که نحوه سنجش یک متغیر پنهان را با استفاده از دو یا تعداد بیشتری متغیر مشاهده شده تعریف می‌کند. همچنین می‌توان گفت که بخشی از مدل معادله ساختاری مدل اندازه‌گیری است که در مدل اندازه‌گیری مشخص می‌شود که تعداد

متغیرهای مشاهده شده برای یک متغیر پنهان تا چه حد تحت تأثیر متغیر پنهان مورد نظر و تا چه حد تحت تأثیر متغیر خطا هستند.

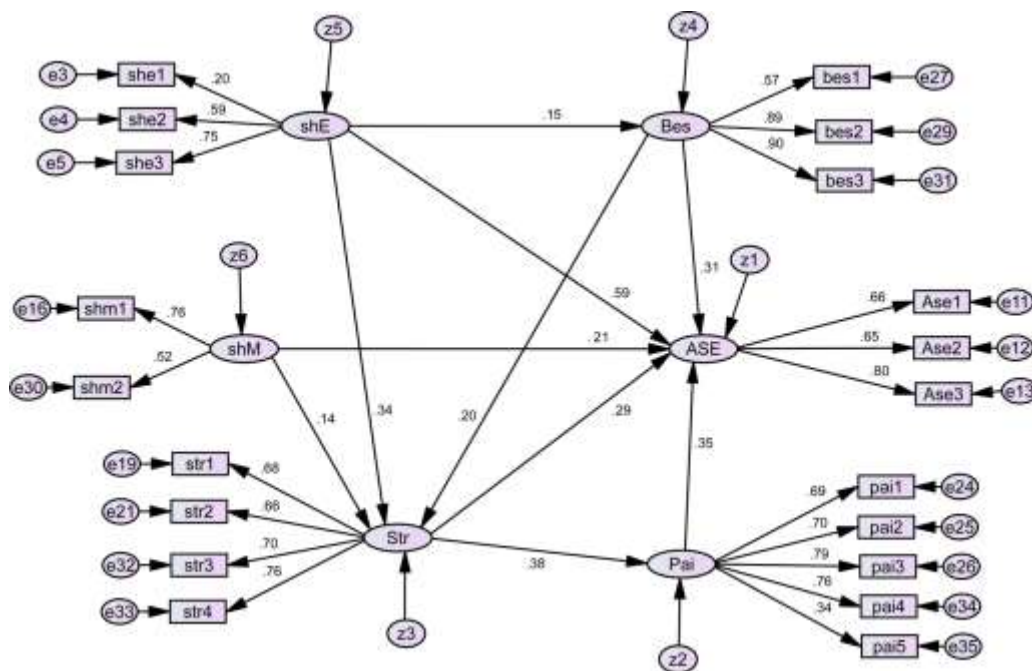
جدول ۲- متغیرها و نمادهای ترسیمی موجود در مدل

نماد ترسیمی	شاخص‌های اصلی	ساختار مدل
She1	فضای بحران زده زندگی	شرایط علی (shE)
She2	تجربه فاجعه	
She3	نابسامانی‌های محیطی	
shm1	نگاه سنتی به بلا یا	شرایط مداخله گر (shM)
shm2	از بین رفتن حریم خصوصی	
bes1	خشونت علیه خانواده	بستر (bes)
bes2	سوگواری و داغدیدگی	
bes3	حاکمیت فرهنگ مردسالاری	
Str1	سازگاری با بحران	استراتژی‌ها (str)
Str2	رفتارهای خودشکنانه	
Str3	انفصال و کناره‌گیری اجتماعی	
Str4	تلاش‌های جعلی برای بهبود	
pai1	آزار جنسی	پیامدها (pai)
pai2	سوگ باقیمانده	
pai3	تجربه خشونت	
pai4	زنانگی آسیب‌ها	
pai5	تنزل منزلت مادری	
Ase1	بالا	آسیب‌های اجتماعی (ASE)
Ase2	متوسط	
Ase3	پایین	

در این مدل ۲۰ متغیر مشاهده شده وجود دارد که این متغیرها از تجمیع تعداد زیادی گویه حاصل شده‌اند. برخی از متغیرهای مشاهده شده شامل متغیرهای مستقل اصلی پژوهش هستند که در مدل پارادایمی بخش کیفی پژوهش مشخص شده و برای تبیین اثر متغیرهای مستقل بر تبیین آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله‌زده (ASE) به کار رفته‌اند. این متغیرهای آشکار شاخص‌های اصلی از متغیرهای مستقل و وابسته هستند که در متغیرهایی چون: بسترهای اثرگذار (خشونت علیه خانواده، سوگواری و داغدیدگی، حاکمیت فرهنگ مردسالاری) بر تبیین آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله‌زده؛ شرایط علی اثرگذار بر تبیین آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله‌زده (فضای بحران زده زندگی، تجربه فاجعه، نابسامانی‌های محیطی)؛ شرایط مداخله گر اثرگذار بر تبیین آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله‌زده (نگاه سنتی به بلا یا، از بین رفتن حریم

خصوصی)؛ استراتژی اثر گذار بر آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله‌زده (سازگاری با بحران، رفتارهای خودشکانه، انفصال و کناره‌گیری اجتماعی، تلاش‌های جعلی برای بهبود)؛ پیامدهای آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله‌زده (آزار جنسی، سوگ باقیمانده، تجربه خشونت، زنانگی آسیب‌ها، تنزل منزلت مادری) و مجموعه گویه‌هایی برای میزان آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله‌زده وجود دارند.

در بیان شاخص‌های آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله‌زده سه شاخص تجمیعی از کل شاخص‌ها وجود دارند که (Ase3) به معنی «سطح پایینی از آسیب‌های کل جامعه در بحران زلزله» با ضریب ۰/۸۰ دارای بیشترین وزن در تبیین آسیب‌های اجتماعی زنان بوده است و بر همین اساس (Ase2) به معنی «سطح متوسطی از آسیب‌های کل جامعه در بحران زلزله» با ضریب ۰/۶۵ دارای وزن کمتری در تبیین بحران‌ها و آسیب‌های اجتماعی شهر بم داشته است. لازم به توضیح است که این سوالات از همه پاسخگویان پرسیده شده و از نظر آنان منبع آسیب‌های اجتماعی موجود در شهر بم فقط به زلزله محدود نمی‌شود و می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد و آیین تبیین منطقی به نظر می‌رسد. در تبیین کلی‌تر همین آسیب‌های موجود ناشی از زلزله به دلایلی است که شاخص‌های آن در مدل معادله ساختاری به عنوان شاخص‌های اثر گذار حضور دارند. همچنین در بحث سایر متغیرها نیز همه ضرایب اثر معناداری در تبیین متغیرهای پژوهش نشان داده‌اند. در کل همه سه گویه تبیین‌کننده بحران‌ها و آسیب‌های اجتماعی ناشی از زلزله قابلیت بالایی در تبیین این متغیر داشته‌اند.



شکل ۲- مدل معادله ساختاری برای تبیین آسیب‌های اجتماعی ناشی از زلزله بم در زنان (ASE)

اما در بحث روابط ساختاری نتایج حاصل از مدل‌سازی نشان داده است که اثر همه متغیرهای مستقل بر تبیین آسیب‌های اجتماعی ناشی از زلزله بم در زنان معنادار بوده است. در همین ارتباط می‌توان گفت اثر شرایط علی (shE) که با سه متغیر اصلی (فضای بحران‌زده زندگی، تجربه فاجعه، نابسامانی‌های محیطی) تعریف شده بر تبیین آسیب‌های اجتماعی ناشی از زلزله بم در زنان (ASE) با ضریب ۰/۵۹ اثر مستقیم و معناداری است و بعد از آن نیز اثر پیامدهای

موجود (Pai) که با پنج متغیر (آزار جنسی، سوگت باقیمانده، تجربه خشونت، زنانگی آسیب‌ها، تنزل منزلت مادری) تعریف شده بر آسیب‌های اجتماعی ناشی از زلزله بم در زنان با ضریب $0/35$ اثر مستقیم و معناداری بوده است. به دنبال آن بسترها نیز که با سه متغیر (خشونت علیه خانواده، سوگواری و داغدیدگی، حاکمیت فرهنگ مردسالاری) تعریف شده با ضریب $0/31$ اثر معناداری در مدل داشته و همچنین استراتژی‌ها (str) که با چهار متغیر (سازگاری با بحران، رفتارهای خودشکانه، انفصال و کناره‌گیری اجتماعی، تلاش‌های جعلی برای بهبود) تعریف شده با ضریب $0/29$ اثر مستقیم و معناداری بر آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله‌زده دارد. همچنین اثر شرایط مداخله‌گر (shM) که با دو متغیر (نگاه سنتی به بلایا، از بین رفتن حریم خصوصی) تعریف شده نیز با ضریب $0/21$ معنادار بوده است. علاوه بر روابط اصلی می‌توان برخی روابط ساختاری در مدل را نیز تحلیل کرد. برای مثال شرایط علی هم بر بسترهای آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله‌زده و هم بر استراتژی‌های آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله‌زده اثر معناداری دارد. همچنین اثر جداگانه شرایط مداخله‌گر و بسترها بر استراتژی‌های تبیین آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله‌زده معنادار بوده است. در نهایت خود استراتژی‌های آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله‌زده توانسته‌اند اثر مستقیم و معناداری بر پیامدهای آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله‌زده داشته‌اند. در کل مثبت بودن تمام بارهای عاملی مدل گویای مستقیم و معناداری بودن روابط موجود در مدل است.

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه نگاه کارشناسی به مسایل اجتماعی و سنجش کارشناسانه مسایل رویکردی نوین در حوزه مطالعات اجتماعی است که مورد استقبال بسیاری از اندیشمندان این حوزه قرار گرفته است. همچنین در الگوهای جدید برنامه‌ریزی اجتماعی و مدیریت در عرصه محلی، ملی و جهانی، تمرکز به شناخت علمی مسایل مورد توجه بسیاری از محققان و اندیشمندان حوزه علوم انسانی واقع شده است. بر همین اساس انتخاب ابزار و رویکرد مناسب برای شناخت مسایل یکی از مهمترین گام‌های توفیق سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و فرهنگی موجود محسوب می‌شود. بنابراین محقق در این زمینه درصدد برآمد تا با الگویی بومی برخاسته از آرا و عقاید زنان آسیب‌دیده در زلزله بم که تجربه مستقیمی از این پدیده دارند، بتواند رویکردی نوینی به تبیین الگوی آسیب‌های اجتماعی زنان در ایران ایجاد کند. بر همین اساس یافته‌های کیفی این پژوهش در راستای آگاهی از ذهنیت زنان آسیب‌دیده در زلزله بم از الگوی آسیب‌های اجتماعی بوده است و هدف پژوهشگر می‌تواند کشف مدلی برای تبیین آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله‌زده در شهر بم باشد، بنابراین این مهم با نظر و عقاید خود زنان آسیب‌دیده در این زلزله ممکن می‌شود. محقق در ابتدا با انجام مصاحبه‌های عمیق در میان زنان آسیب‌دیده در زلزله بم به تدوین الگوی بومی آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله‌زده در بم پرداخته است. داده‌های پژوهش کیفی، حاصل استخراج پرسشنامه‌هایی است که توسط تعداد ۱۲ نفر از زنان آسیب‌دیده در زلزله بم گردآوری شده و نکته‌های معنادار و ناب متن گفتگوی آنها عصاره اصلی نظریه استخراجی را تشکیل می‌دهد. طول زمان مصاحبه با این زنان بین ۴۵ دقیقه تا ۱۲۲ دقیقه بوده و کمترین مصاحبه در عرض ۴۵ دقیقه و بیشترین مصاحبه از یک ساعت به طول انجامیده است. در مجموع محقق با همه افراد ۱۰۲۳ دقیقه مصاحبه و گفت‌و شنود علمی پیرامون مسایل و آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله‌زده داشته است. نتایج تحلیل داده‌ها بر اساس مراحل سه‌گانه کدگذاری ارایه

شده و در مرحله کدگذاری باز، بیش از ۲۲۴ مفهوم و گزاره معنادار استخراج شد. در مرحله بعد ۲۱۸ مفاهیم متناظر از تعداد ۲۲۴ گزاره‌های معنادار کلی موجود در متن مصاحبه‌ها استخراج شد. این مقوله‌ها دارای ارتباط مفهومی با همدیگر هستند و به راحتی می‌توان آنها را دسته‌بندی کرد. در ادامه فرایند کدگذاری از تعداد ۲۱۸ مفاهیم متناظر تعداد ۴۵ خرده مقوله استخراج شده که دارای ارتباط مفهومی با همدیگر هستند. همچنین بخاطر نزدیکی معنایی بسیاری از خرده مقولات محوری در مرحله کدگذاری محوری ۴۵ خرده مقوله موجود به ۱۷ مقوله محوری تبدیل شده‌اند. هرچند مشارکت‌کنندگان پژوهش اشاره تلویحی به برخی از خرده مقولات داشته‌اند، اما حدود ۹۰ درصد خرده مقولات و ۹۵ درصد مقولات محوری ساخته و انتزاع شده ذهن محقق است که با توجه به حساسیت نظری موجود اقدام به مقوله‌سازی شده است. در نهایت پس از بررسی دقیق‌تر و پیوند بین مفاهیم خرده مقولات، ۱۷ مقوله محوری به دست آمد که این مقولات با انتزاع بیشتر این مقولات در مرحله کدگذاری گزینشی، یک مقوله هسته‌ای تبدیل شد که همه مقولات دیگر را تحت پوشش قرار می‌دهد. در بخش کمی هم نتایج نشان داده که همه اثرات کمی معنادار بوده و مدل کیفی استخراج شده دارای اعتبار آماری است.

منابع

- ۱- اعظم آزاده، منصوره؛ مظفری، خدیجه. (۱۳۹۶). طرد اجتماعی زنان ایرانی ازدواج کرده با اتباع خارجی (عراقی-افغانی) و عوامل مؤثر بر آن. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۸(۲)، ۵۳-۷۴. doi: 10.22059/ijsp.2018.65053
- ۲- افراسیابی، حسین؛ جهانگیری، ساناز. (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی تعاملات اجتماعی زنان سرپرست خانوار (مطالعه کیفی شهرستان شاهین شهر). زن در توسعه و سیاست، ۱۴(۴)، ۴۳۱-۴۵۰. doi: 10.22059/jwdp.2016.60963
- ۳- بابایی فرد، اسدالله؛ حبیبی‌راد، لیلی. (۱۳۹۷). تجربه زنان معتاد بهبودیافته از طرد اجتماعی در شهر قم. فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان سابق)، ۲۱(۸۱) پاییز (۱۳۹۷)، ۱۶۷-۱۸۹. doi: 10.22095/jwss.2018.89256
- ۴- خسروی، زهره (۱۳۸۰). «بررسی آسیب‌های روانی - اجتماعی زنان سرپرست خانوار»، علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، سال یازدهم، شماره ۳۹: ۹۳-۱۷.
- ۵- رحمانی بیلندی، رقیه؛ خلج آبادی فراهانی، فریده؛ احمدی، فضل‌...؛ کاظم نژاد، انوشیروان؛ محمدی، رضا. (۱۳۹۴). تبیین درک زنان از بهداشت قاعدگی در مناطق زلزله زده. مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران. ۱۳۹۴؛ ۲۵ (۱۲۵): ۴۹-۶۰.
- ۶- رضائی، مهدی؛ آبدار، شیرین. (۱۳۹۶). خشونت جنسی در خانواده: یک پژوهش کیفی. پژوهش‌نامه زنان، ۸(۱۹)، ۳۵-۵۹.
- ۷- زارعان، منصوره؛ زارعی، معصومه؛ هنردوست، عطیه. (۱۳۹۷). توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با تأکید بر برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران. زن در توسعه و سیاست، ۱۶(۲)، ۳۱۹-۳۳۸. doi: 10.22059/jwdp.2018.246227.1007314
- ۸- ساروخانی، باقر. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: انتشارات سروش.
- ۹- شادی طلب، ژاله؛ گراینی‌نژاد، علیرضا. (۱۳۸۳). فقر زنان سرپرست خانوار. زن در توسعه و سیاست، ۲(۱)، ۷۰-۴۹.

- ۱۰- صادقی فسایی، سهیلا. (۱۳۸۹). خشونت خانگی و استراتژی های زنان در مواجهه با آن (مطالعه ای کیفی). بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱(۱): ۱۴۲-۱۰۷.
- ۱۱- صادقی فسایی، سهیلا؛ خادمی، عاطفه. (۱۳۹۵). فراتحلیل پژوهش های بعد از انقلاب اسلامی در موضوع آموزش زنان. فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد فرهنگ، ۹(۳۳): ۱۷۱-۱۹۹.
- ۱۲- صادقی فسایی، سهیلا؛ مقدم، سمیه. (۱۳۹۲). مسئله شناسی زنان بنا بر روایت زنان (مطالعه کیفی)، رفاه اجتماعی. ۱۳، ۱۳۹۲، ۳۰۹-۳۴۶.
- ۱۳- صادقی فسائی، سهیلا؛ رجب لاریجانی، مهسا. (۱۳۹۰). مطالعه جامعه شناختی آزار جنسی زنان در محیط کار، فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، (پیاپی ۳۰)، پاییز ۱۳۸۹ شماره ۳.
- ۱۴- کرمی زاده، الهام؛ بوستانی، داریوش. (۱۳۹۶). پیامدهای مصرف شیشه: مطالعه کیفی زنان معتاد در شهر کرمان. مطالعات زن و خانواده، ۵(۱)، ۷-۳۴. doi: 10.22051/jwfs.2016.11103.1200
- ۱۵- لطفی خاچکی، بهنام؛ رازقی، نادر. (۱۳۹۸). تحلیل برجسته سازی مسائل اجتماعی در سازمان مردم نهاد فعال در حوزه آسیب های اجتماعی استان تهران، رفاه اجتماعی. ۱۹، ۱۳۹۸، ۳۶۸-۳۲۵.
- ۱۶- معتمدی، هادی. (۱۳۸۶). اولویت بندی آسیب ها و مسائل اجتماعی در ایران، رفاه اجتماعی. ۶(۲۴): ۳۲۷-۳۴۸.
- ۱۷- نجار نهایندی، مریم؛ آهنگر سلابتی، اعظم. (۱۳۸۹). بررسی جامعه شناختی احساس امنیت جنسی زنان. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱(۳)، ۱۶۷-۱۷۷.
- 18- Banarjee, Subrata. (2020). Identifying factors of sexual violence against women and protection of their rights in Bangladesh, *Aggression and Violent Behavior*, In press, journal pre-proof Available online 14 February 2020 Article 101384
- 19- McGowan, J., & Elliott, K. (2019). *Targeted violence perpetrated against women with disability by neighbours and community members. Women's Studies International Forum, Volume 76, September–October 2019, 102270.* doi:10.1016/j.wsif.2019.102270.
- 20- Qu, Zhiyong; Tian, Donghua; Zhang, Qin; Wang, Xiaohua; He, Huan; Zhang, Xiulan; Huang, Lili; Xu, Fan. (2012). The impact of the catastrophic earthquake in China's Sichuan province on the mental health of pregnant women. *Journal of Affective Disorders*. 2012 Jan;136(1-2):117-123. DOI: 10.1016/j.jad.2011.08.021.
- 21- Romano, Mia; Moscovitch, David A.; Ma, Ruofan; Huppert, Jonathan D. (2019). Social problem solving in social anxiety disorder, *Journal of Anxiety Disorders, Volume 68, ISSN 0887-6185,* https://doi.org/10.1016/j.janxdis.2019.102152.
- 22- Ruangnapakul, N., Yusof, N., & Hamid, N. A. (2018). *Perspectives on violence against women in Thai film: The Eternity. Kasetsart Journal of Social Sciences.* Volume 39, Issue 3 September–December 2018 Pages 509-517, doi:10.1016/j.kjss.2018.07.005
- 23- Tamdee, Patrapan; Dendoung, Suphot; Muttiko, Mullika; Sringernyuang, Luechai. (2016). Modern social life and never-married women's health problems, *Kasetsart Journal of Social Sciences, Volume 37, Issue 1, Pages 15-21, ISSN 2452-3151,* https://doi.org/10.1016/j.kjss.2016.01.002.